

اشخاصی که کاندیدا شده اند برای ریاست جمهوری، شما توجه کنید کسی که از همه متعهدتر به اسلام، سوابق خوب، پیوسته به هیچ طرفی، نه شرقی باشد نه غربی باشد نه غرب زده و نه شرق زده باشد، مسلمان باشد، پیرو احکام اسلام باشد، ملی باشد، دلسوز به ملت باشد، خدمتگزار به ملت باشد، سوابقش خوب باشد، در رژیم سابق هیچگاه وارد نشده باشد با اجانب پیوند نداشته باشد، از خودتان باشد و برای خودتان، اختیار دست شماست، من بنا ندارم که کسی را تعیین کنم.

اتحاد بزرگ

شماره ۴۸ سه شنبه ۱۸ دیماه ۱۳۵۸

سرنوشتی جز سرنوشت ایران نداشته ام و ندارم. در همه روزهای تیره هم راه ملت بزرگ ایران بوده ام فردا نیز چنین خواهم بود

امام و «ارتش بی طبقه توحیدی»

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران در ملاقات با پرسنل سپهری استانی یزد در تاریخ جمعه ۵۸۱۰۷ در مسعود (ارتش بی طبقه توحیدی) به بحث پرداخته و فرمودند: «گاهی دیده میشود که بعضی از افراد منحرف در بین پرسنل های سپهری یا در بین درجه دارهای ارتش یا زاندامری بخش میکنند و جوانها را وادار به بعضی از کارهای ناشایسته میکنند و آن اینست که به آنها میگویند که حالا که انقلاب شده است و طاغوت از بین رفته و جمهوری اسلامی آمده است دیگر درجه دار و افسر و سرباز ندارد. این تبلیغات را در اذهان جوانان انداخته اند جامعه توحیدی به آنطور که آنها میگویند یعنی جامعه هرج و مرج همه یا باید مثلا سرلشکر یا همه سرباز لازم تمکن آنست که درجهت باشد یکی فرض کنید مهندس باشد یکی دکتر باشد یکی سرگرد اگر این را بردارید و بخواهید جامعه توحیدی به آن معنا درست کنید برگشت

ماموریت ارتش نهاد و قوانین آنرا می سازد و با اندک تفاوتی این قوانین در تمام ارتش های جهان شبیه به یکدیگرند

اسلامی آمده است دیگر درجه دار و افسر و سرباز ندارد. این تبلیغات را در اذهان جوانان انداخته اند جامعه توحیدی به آنطور که آنها میگویند یعنی جامعه هرج و مرج همه یا باید مثلا سرلشکر یا همه سرباز لازم تمکن آنست که درجهت باشد یکی فرض کنید مهندس باشد یکی دکتر باشد یکی سرگرد اگر این را بردارید و بخواهید جامعه توحیدی به آن معنا درست کنید برگشت

بر نامه داریوش فروهر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران

باشیدن ساختمان قبلی اجتناب ناپذیر می شود. دگرگونی انقلابی بر این اساس به معنی ایجاد ساختمان نو و ارزشهای نو و روابط نو است و ارج انقلاب هم در همین بنیانگذاری ساختمان تازه و ارزشهای نو است. اگر انقلابی نتواند ساختمان تازه و ارزشهای نو ارائه نماید و اگر ظرفیت و قدرت انقلاب در حد شکستن و کوبیدن دچار توقف شود و اگر انقلاب نتواند الگوهای بدیع برای زندگی فردی و اجتماعی معرفی و مستقر کند دیگر نمیتوان مجموعه کارهای انجام شده را انقلاب دانست.



دست می آورد. انقلاب بر اثر برخورد عملی بازدارنده پیشرفت با گرایش انسانی به پیشرفت، پدید می آید، از اینرو انقلاب در ذات خود نوعی حرکت به پیش را نهفته دارد، حرکت ترقی خواهانه ای که در بطن انقلاب نهفته است. در کیفیت دگرگونی کننده انقلاب جلوه می شود. دگرگونی که بر اثر انقلاب پدید می آید، تنها توجه به فرو ریختن و از هم پاشیدن ندارد انقلاب با شورش کور، که تنها در هم می شکند و ویران می سازد تفاوت دارد. دگرگونی انقلابی دارای دو جنبه جدائی ناپذیر است، یک جنبه آن در هم ریختن ساختمان پوسیده و ارزشهای کهن و جنبه دیگر برپا داشتن ساختمان تازه و ارزش-

نوشته: دکتر ناصر تکمیل همایون

استقلال و ناوابستگی

گسترش آزادیهای

فردی و اجتماعی

همبستگی ملی

عدالت برای هر ایرانی

در هر زمینه

نظم و کار برای پیشرفت

روز یکشنبه شانزدهم دیماه داریوش فروهر، نامزد ریاست جمهوری اسلامی ایران در یک مصاحبه مطبوعاتی، برنامه و دیدگاه های خود را به آگاهی همگان رسانید.

انقلاب جلوه خاصی از حرکت و تغییر است. حرکت و تغییر انقلابی بازگو کننده خواستهای عالی انسانی است. حرکت و تغییر انقلابی بیان کننده اندیشه و گرایش آدمی است به آفرینش ارزشهای نو. انقلاب آفریننده دگرگونی های بنیادی است.

دگرگونی در همه زمینه های زندگی. در جدول ارزشها، در اندیشه ها، در کردارها و در رابطه ها.

عمره با انقلاب و بر اثر انقلاب اندیشه ها و کردارها، ارزشهای کهن خود را از دست می دهند و ارزشهای نو به

وحدت ملی و خودگردانیهای قومی و منطقه ای

سیاسی و در هم ریخته شدن دیوان سالاری سنتی و تفرقه های داخلی نظام مملکتی، وضعی به پیش آمد تا هم اقلیت های مذهبی (اسلامی و غیر اسلامی) و هم ساکنان منطقه ها سر بلند کنند و خود را از سلطه حکومت مرکزی اصفهان بدور نگاهدارند. با اینکه در زمان نادرشاه و کریم خان زند کوشش هایی به عمل آمد تا شاید وضع دوران صفوی زنده شود، اما توفیق کامل نصیب حکومتگران نگردید. در این مدت در غالب منطقه ها (= ناحیه ها) با دادن نوعی مالیات به دولت بقیه در صفحه ۳

در دون آن قرار دارد. به علت های طبیعی و جغرافیایی ساکنان آنرا در یک همبستگی بزرگ، اما جدا از یکدیگر سکونت میداد و همین جدائی ها به مرور ویژگی های زیستی و اجتماعی و فرهنگی (زبان و لهجه و آداب و رسوم) و مذهبی از آنجا گردید که از گذشته های دور در مرحله های مختلف تاریخی نوعی «خودگردانی» را در کلیت جامعه حاکم ساخته بود.

نظام اجتماعی خودگردان، زمانی پویائی و تکامل می یافت که در یک مجموعه قرار میگرفت. بدین اعتبار نیاز اقتصادی و دفاعی واحدهای خودگردان را در پیوند تاکسیستی با یکدیگر قرار میداد و زمینه های همبستگی

برای برگزاری آیین یکمین سال خلق ید از استعمارگران در ۲۹ خرداد، برای سومین بار، توسط نیروهای نظامی که زیر نفوذ شاه و درباریان هستند دستگیر و بازداشت می شود. تظاهرات مردمی لحظه به لحظه اوج می گیرد. داریوش فروهر، در تمامی این لحظه ها جاری است.

سیام تیر، روزی سرنوشت ساز از پی روزهای خونبار. داریوش فروهر، مبارزات و تظاهرات خونین میدان بهارستان را کنار یاران و داداش رهبری می کند و قلمی بزرگ و موثر در راه پیروزی مجدد مصدق برمی- داد.

نیم اسفند، توپخانه هواداران شاه - اوپاش، بدکارها، خود فروخته ها، را علیه مصدق با بسج همه حزبی های ملی در هم می شکنند. کوشش های فروهر مانند همیشه چشمگیر است.

۱۳۳۲ - کودتای ۲۵ مرداد شکست می خورد و عاقبت شاه میگریزد. داریوش فروهر همه جا پیشاپیش صفوف مردم خشمگینی است که انهدام سلطنت را می خواهند و مجسمه های ستم را به زیر می کشند و استقلال کامل ایران را و راهی وطن را از چنگ «همه» امپریالیست ها طلب می کنند.

۱۳۳۰ - در یکم آبانماه «مکتب» به «حزب ملت ایران» تبدیل می گردد. داریوش فروهر، نخست به عضویت «کمیته ی موقت» رهبری حزب، و در ۱۷ دیماه همان سال به دبیری حزب ملت ایران برگزیده می شود.

۱۳۳۱ - در هفتگامه ی سیاسی، چهره ی داریوش فروهر را می بینیم. به هنگام سفر دکتر مصدق به لاهه، در جریان کوشش

نظری گذرا به زندگی داریوش فروهر

۱۳۰۷ - در هفتم دیماه در شهر اصفهان در یک خانواده ی مسلمان دیده بر جهان می گشاید.

۱۳۲۰ - دوران تحصیلات ابتدائی را در شهر اصفهان به پایان می رساند. چون پدرش که افسر ارتش بود در «ارومیه» کار می کرد، تابستان را به آن شهر می رود و رویداد سوم شهریور و اشغال شمال ایران بوسیله ارتش سرخ را از نزدیک می بیند.

۱۳۳۱ - پدرش پس از انتقال به اصفهان شروع به مبارزه با اشغالگران می کند و در نتیجه نخست به تهران تبعید و سپس از سوی ارتش انگلیس بازداشت و به اردوگاه اسیران جنگی در اداک برده می شود.

۱۳۳۲ - داریوش فروهر که دانش آموز دبیرستان ایرانشهر تهران است با چهره و گذشته «مصدق» آشنا می شود و در آستانه پانزده سالگی به دون یک زندگی سیاسی برآشوب و مظاهره آمیزی می نهد.

۱۳۳۳ - دشمنان ایران، مثل همیشه، در اندیشه ی باره پاره کردن خالک وطن اند. داریوش فروهر، همروش دانش آموزان و دانشجویان، در راه پایا اشغال آذربایجان و کردستان به مبارزه برمی خیزد.

۱۳۳۷ - دانشکده حقوق را برمیگزیند و در آذرماه به «مکتب» که هسته ی بنیادی یک گروه سیاسی ملتگرا و مبارز است می پیوندد.

۱۳۳۸ - آرامش، برای ابد از زندگی او بیرون می رود. مصدق را به هنگام بنیانگذاری جبهه ملی ایران و تحصن به

زندانیان ایران بر آزادی دور از ایران ترجیح دارد

دیگری هم بودند که خیلی صدمه دیدند. بازداشتگاه در خیابان سوم اسفند آرزو و سرگرد سخانی امروز در محل دژبان بود. فروهر را به اتاق کوچکی که لوله ی آشپزخانه دژبان از آن می گذشت بردند. در این آشپزخانه غذای ارتش تهیه می شد و معلوم است که اتاق چه حرارت و خشک تکی داشت. ۹۰ روز تمام در آن چشم روزی دوبار این مرد و بقول دوستی «شیرمرده» بیبوش شد و وقتی هر شب رئیس دژبان «تیمسار صادقی» با نهایت احترام از او سؤال کرد، چیزی لازم ندارد او گفت هیچ چیز و سرانجام آنها تسلیم شدند و جایش را تغییر دادند. دوستانش تلاش بسیار کردند. این در آن دو دژند تا شاید راه نجاتی پیدا شود سرانجام یک روز ارتشبد هدایت او را حاضر سبز رنگی که شبیه ماشین مرده کشی بود انداختند و به قزل قلعه بردند. دوستان

آن روزها دانش آموز بودم و سخت در زوی بازگشت مصدق به صحنه ی سیاسی مملکت. بهر بهانه ای نام آن «پیر» را در انشای کلاس می آوردم. از شب ستم را ترسیم می کردم و او را به روز و دوشنبه شبیه می نمودم. کار به تهدید و اخراج کشید. از مدرسه ای روانی مدرسه ی دیگر شدم. آنجا با یکی از اعضای حزب ملت ایران آشنا شدم و نشریه ی «آرمان ملت» ارگان این حزب را شناختم و علاقمند شدم با این حزب همکاری کنم. یادم هست با چه دلبره و ترسی روزنامه را می فروختم ولی احساس انجام وظیفه در روشن نگاه داشتن چراغ نهفت خطر را که به شکل پلیس مغفی و آشکار همه جا بود از یاد می بردم. سرانجام فروهر را دیدم و سخت تحت تاثیر صداقت و استواری او قرار گرفتم. پنجشنبه هفتم

۱۳۳۲ - کودتای ۲۵ مرداد شکست می خورد و عاقبت شاه میگریزد. داریوش فروهر همه جا پیشاپیش صفوف مردم خشمگینی است که انهدام سلطنت را می خواهند و مجسمه های ستم را به زیر می کشند و استقلال کامل ایران را و راهی وطن را از چنگ «همه» امپریالیست ها طلب می کنند. ۱۳۳۰ - در یکم آبانماه «مکتب» به «حزب ملت ایران» تبدیل می گردد. داریوش فروهر، نخست به عضویت «کمیته ی موقت» رهبری حزب، و در ۱۷ دیماه همان سال به دبیری حزب ملت ایران برگزیده می شود. ۱۳۳۱ - در هفتگامه ی سیاسی، چهره ی داریوش فروهر را می بینیم. به هنگام سفر دکتر مصدق به لاهه، در جریان کوشش

وحدت ملی و خودگردانیها...

بقیه از صفحه اول
مرکزی اداره ایالت‌ها برعهده صاحبان قدرت بود که اکثراً از همان مناطق و نواحی برخاسته بودند و گاه یک خانواده نسل به نسل بر بخشی از ایران حکومت میکرد و حتی آن بخش بنام همان خانواده شهرت می‌یافت چون منطقه اردلان که متعلق به خانواده اردلان بود و شامل مریوان و بانه و سنندج میشد.

آقا محمدخان قاجار اگر فرصت بدست می‌آورد شاید وضع و سنت دوره صفویه را زنده میکرد اما جانشین او که کاردانی و قدرت موسس سلسله قاجار را در خود

نمی‌دید، کوشش کرد تا از طریق ازدواج‌های سیاسی نوعی تمرکز حکومتی بوجود آورد. این‌گونه روشنی توسط فرزندان فتحعلیشاه و حتی سالیاری بعد توسط ناصرالدین‌شاه نیز بکار گرفته شد ولی به علت غیرخودی شدن والیان و حاکمان منطقه‌های خرسوردگردان (حکومتهای شاهزادگان قاجار) و تحت‌الشعاع بودن دگرگونیها و تحولات سیاسی کشور با سیاست شوم موازنه مثبت (یعنی داشتن اکثر حاکمان بسا

قدرتهای برون مرزی) و بسا گرفتن سمتهای اقتصادی (مالیات‌های گزاف) ، غالب ساکنان منطقه‌های ایران در دوره مشروطیت از حکومت مرکزی و حاکمان اجناساز و زمیندار و ثروتمند وابسته نه تنها دل خوشی نداشتند بلکه خواستار دگرگونیهای بنیادی در روابط خود نیز بودند.

در غالب ایالت‌های ایران در آن روزگار شورشیهای پیاپی خواهی که مشهورترین آنها شورش شیخ‌عبیدالله کرد ، در سال ۱۲۹۷ قمری توسط میرزا حسن خان سپهسالار سرکوب گردید و شیخ به کشور عثمانی فرار کرد.

مشروطیت ایران و قانون اساسی و متمم آن با تمام کمبودهایش، در آن روزگار توانسته است بخش زیادی از خواسته‌های مردم ایران را در رابطه با سه اصل استقلال و وحدت ملی و آزادیهای منطقه‌ای (= خودگردانی) بیان دارد و این امر خود نشان ملی بودن انقلاب مشروطیت ایران می‌باشد.

اصل استقلال و تاهمت ارضی ایران در متمم قانون اساسی ایران (مورخه ۲۹ شعبان ۱۳۳۵) انعکاس یافته است:

«محدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بحسب قانون» (اصل سیم).

اصل وحدت ملی در مسأوی بودن همه ایالات ایرانی با یکدیگر و تعلق و گسترش حق نمایندگی هر فرد از هر قوم و مذهب برای همه ساکنان کشور، در بند چهارم متمم قانون اساسی سه چشم می‌خورد:

«قوای مملکت ناشی از ملت (= همه ساکنان ایران) است، طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین می‌نماید» (اصل بیست و ششم متمم قانون اساسی).

«اهالی مملکت ایرانی (= همه قومها) در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود» (اصل هشتم متمم قانون اساسی).

«وکالی مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت (= همه قومها) و همه ساکنان منطقه‌ها، وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنها را انتخاب نموده‌اند» (اصل سوم متمم قانون اساسی).

اصل آزادی قومی و منطقه‌ای (= خودگردانی) با پیش کشیده شدن مسأله انجمنهای ایالتی و ولایتی بیش از دو اصل دیگر در متمم قانون اساسی مشروطیت ایران مطرح گردیده است:

«منافع مخصوصه هریالت و ولایت و بلوک بتصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تسویه میشود» (اصل بیست و نهم متمم قانون اساسی).

«در هر کرسی ایالتی یک محکمه استیفاء برای اموال عدلیه مقرر خواهد شد برتریبی که در قوانین عدلیه مصرح است» (اصل هشتاد و ششم متمم قانون اساسی).

«در تمام معالک محروسه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب میشود و قوانین اساسیه آن انجمن ها از این قرار است».

«اعضاء انجمنهای ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند مطابق نظامنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی».

«انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار

کوششهای حزب ملت ایران در هفته‌های گذشته

افشاگرها را ادامه دهید!

سازمان دانشجویان و دانشجویان و دانش آموزان حزب ملت ایران در بخش اطلاعیه‌ای که روز دهم دیماه انتشار داده‌اند چنین نوشته‌اند

افشاگرهای شما فرزندان برومند ایران، سیمای راستین انقلاب ما را به مردم جهان نشان میدهند و روشن میکند که چگونه دشمنان برای در هم ریزیهای اجتماعی و سیاسی و کم نمر کردن انقلاب یا نابودی آن در راه ناستوره بستگی با بیگانه گام نهاده‌اند.

سازمان دانشجویان و دانش آموزان حزب ما به حکم اصالت خط امام و تقدس انقلاب اسلامی ملت ایران همواره پشتیبان شجاعت و میخواید با در نظر داشتن آموزشهای ولایتی اسلامی و میزانیهای اخلاقی، افشاگرهای خود را دنبال کنید و بی هیچ هراسی با رعایت حیثیت و ارزشهای انسانی هر فرد و گروه و حزب بی آنکه به باورهای ملت آسیب وارد شود سیاست کرانی را که برغم گفتارهای خود در رابطه با نیروهای اهریمنی بیگانه بوده‌اند، به مردم مستعدینه ایران بشناسانید و نگذارید این ملت داغیده در همان نیرنگ زده قرار گیرد و پیروی کسانی را کند که اگراز دست نشاندهگان امپریالیستها نباشند بی شک از دلخاکتان به همکاری با آمریکا بوده‌اند .

پاسخ به فرمان انقلابی امام

این عنوان اعلامیه دیگری است که در روز دوازدهم دیماه از سوی دبیرخانه حزب ملت ایران انتشار یافته است در بخش از این اعلامیه چنین آمده است

پیش در آمد دانش انوزی بی شک بسج علیه ییسوادی است که نظام سلطنتی وابسته به استعمار پرغم آتیمه تبلیغات میان تپی سخت از آن دوری میکرد سرو صداهای گذشته در «بیکار با ییسوادی» آتیم به رهبری در بزرگان ناسد هیا عوئی بود برای هیچ و آمارهای ساختگی دست اندکاران حکومت را در جمع میتوان سیاه کاریهای دانشت که سالانه فقط برای خود نهائی در سازمانهای جهانی از آن جمله بونسکو، تهیه میشد و بی تردید کارشناسان به خوبی از بی بنیادی آن آگاهی داشتند.

دبیر انقلاب اسلامی ملت ایران با درایت هر چه تاهمت و شناخت ریشه‌های اصلی در جامعه فرمان بسج علیه ییسوادی را به «ملت شریف ایران» دادند و از همه افراد خواستند تا با «همت‌الاولی» خود همه جای ایران را به صورت «مهرسه‌ای» در آورند و به طور «ضربتی» بسج شوند تا همه ایرانیان در آینده نزدیک بتوانند بخوانند و بنویسند.

حزب ملت ایران با صمیمیت فراوان به ندای امام «لبیک» میگویی و با همه نیرو در این جهاد بزرگ شرکت میکند و اعلام میدارد، همه وابستگان حزب که توانائی آموزش دادن را دارند آماده هستند زیر نظر وزارت آموزش و پرورش انجام وظیفه کنند و به توصیه رهبر انقلاب «از قرطاس بازی و نشریات اداری به برهیزند» و در مسجدها و تکیه‌ها و در هر جای دیگر به کار بپردازند.

گرامی باد یاد جهانپهلوان تختی

دبیرخانه حزب ملت ایران در روز پانزدهم دیماه با انتشار اعلامیه‌ای مرگ جهانپهلوان را چنین وصف کرده

مرگ تلخ و باور نکردنی‌اش نوجوانان را با پیروی و بر سر اندیشه جان باختن و ابر آسمان را از چشمان ایرانیان گریستن آموخت، اینک در یازدهمین سالگرد جانیساری آن تندیس جوانمردی و آمیزهی افسانه‌های کوه و آرش و رستم و آن خورشید به شب تاپیمه به ین انقلاب مردم مبین ما فرصت دارند خاطره‌ی همیشه دلنشین «جهان پهلوان» خود را گرامی دانند. حزب ملت ایران از همه زنان و مردان بیدار دل ایران زمین میخواید در همه جا برای بزرگداشت این فرزند برومند مبین به پا خیزند و آنان که در تهرآن هستند در روز هفدهم دیماه مزارش را گلباران سازند.

را از بین برد و دوره اختناق ۲۵ ساله شاه مخلوع، زمینه ساز وحدت بنیادی و آزادیهای قومی و منطقه‌ای همه ساکنان ایران زمین گردید که به ین انقلاب اسلامی در خط قانونی و عملی کردن آن هستند. ادامه دارد

امام و «ارتش بی طبقه توحیدی»

با استفاده از این وضع با عنوان کردن شعارهای پوج اما مسموم شروع به سمپاشی و ایجاد فاصله بیشتر بین درجه‌داران و افسران کردند و کار را بدینجا کشانیدند که سربازان و درجه‌داران را تحریک به عدم اطاعت از مافوق خود نمودند و اجرای دستور را اطاعت کورکورانه تلقی کردند و به عناوین مختلف مسائلی که صرفاً از نظر اقتصادی و یا اداری می‌توانست مورد توجه درجه‌داران قرار گیرد تبدیل به خواسته‌های سیاسی کردند نگاه می‌کنند نشریاتی که مخصوص ارتش منتشر میکنند به خوبی سوء نیت آنان را ثابت میکند:

جامعه‌هرج و مرج لازمی تمدن آنست که در جات باشد

«اطاعت کورگورانه محکوم است...»
«تشکیل شوراهای یادگانی باید در قانون اساسی تصریح گردد.»
«انتخاب فرماندهان حق مسلم پرسنل ارتش است.»
«نظامیان باید در احزاب شرکت کنند.»
«پیش بسوی ارتش بی طبقه توحیدی» که هدف از عنوان کردن این شعارها نخست نفوذ در بین

ضد انقلاب برای همیشه محکوم است

بدنبال حوادث اسفبار قم و تبریز حزب ملت ایران در اعلامیه‌ای که روز پانزدهم دیماه انتشار داد چنین نوشت

عوامل‌های شوم «ضد انقلاب» که در برابر نظم یابی جامعه‌هرج روز پزیشان ترمیشوند ، در آستانه قانونی کردن وضع قوای حاکم بر کشور و انتخابات ریاست جمهوری ، در شهر قم که پایگاه جوادانه انقلاب شکوهمند مردم مبین ماست، توسط گروهی چماقدار و چاقوکش و قداره‌بند ، چونان واپسین روزهای نظام سلطنتی آشفته‌گی فراوان بر پا کردند و بدنبال آن تبریز قهرمان که پیشگام و پشتیبان انقلاب و رهبری آن ایستاده است، دگر باره گردنا سامانی بر چهره‌اش نشست . و در بخش دیگری از اعلامیه آمده است که

اگر «انحصارطلبان» فضای آناهنجاری را بوجود آورده‌اند تا «ضد انقلاب»، فرصت عمل یابد، آ یا نه تمام آن نرسیده ناستاندند — کارن اداره کشور زیانها و آسیب‌های ناشی از اینگونه روشهای نادرست را بطور جدی یادآور شوند و با همه قدرت از ازماسه آن جلوگیری کنند؟ آنچه در این زشتکاریها بسیار دردناک است و هر دم در شهرهای قم و تبریز گواه آن بوده‌اند ، بسر پائی آشوبها با بهره‌گیری از نام حضرت آیت‌الله‌العلی شریعتمداری میباشد.

پیشک ساحت پاک ایشان از اینکه اینهمه فتنه و خرابکاری بوجود آید و با پیشگاه رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ملت ایران اهانتی شود، بدور میباشد و طهارت و صداقتی که مردم ایران در این پیشوی بزرگ مذهبی سراغ دارند خود دلیل استواری است که در رویدادهای دوروزه گذشته «ضد انقلاب» خواسته است زیر عنوان هواداری از ایشان، ناامنی را دامن‌زند و در وحدت «جامعه روحانیت» خلل ایجاد نماید .

باینده ایران ای آفریدگار پاک تو را پرستش میکنم و از تو یاری میجویم

اطلاعیه

بامداد امروز داریوش فروهر بهنگام رفتن از خانه به ستاد انتخاباتی خود با اتوبه مردمی که برای شرکت در گردهم آتی اعتراض آمیز نسبت به رویدادهای ناسف باردیروز قم و تبریز بطرف جاسوس خانه آمریکا روانه بودند روبرو شد و تصمیم براه پیمائی با آنها گرفت .

مردم که داریوش فروهر را در میان خود دیدند با علاقه مندی بسیار نسبت به وی به ابراز احساسات پرداختند ، شدت ازدهام بحدی رسید که دیگر توانائی راه رفتن نداشت و ناگزیر عدلهای داریوش فروهر را در ساعت یازده به اتومبیلی که در خیابان نجات الهی رو بشمال میرفت سوار نمودند بهحض حرکت اتومبیل از سلاح کمری که در دست یکی از نخبگانان ایشان بود تیری شلیک شد و با کمال تأسف بدست راننده که بعد روشن شد گروهبان یکم حسین بهر خوردار میباشد اصابت کرد ، نامبرده بیدرتنگ به بیمارستان به آور انتقال یافت و تحت عمل جراحی قرار گرفت و خوشبختانه حال وی رضایب بخش میباشد .

۱۵ دیماه ۱۳۵۸

دیرخانه حزب ملت ایران

انرا میسازد و با اندک تفاوتی این قوانین در تمام ارتش‌های جهان شبیه بیکدیگرند و اگر گفته میشود که انقلاب ما از برخی جهات بی سابقه و با ضوابط سایر انقلاب های جهان قابل اندازه‌گیری نیست مقبولش این نیست که با توجه به مطلب فوق همه چیز ما باید وارونه باشد و مثلاً باید از این پس دستکش‌ها را به پاها کنیم و جواب‌ها را بدست ناهیم. اصول نهائی و اثبات شده نتیجه قهرنا تجربه است و با شعار قابل تغییر نیست. در مسوود اصطلاح «بی طبقه توحیدی» باید گفت که دو مطلب متضاد و متناقض را در بردارد که بطور جداگانه هر دو با نهادهای ارتش در تضاد است و مجموعه آن این تضاد را به توان ۲ می‌رساند زیرا در ارتش همیشه در یک واحد یک نفر دستور میدهد و دیگریان اجراء میکنند و صورت دیگری نیز ندارد.

در دهان عدلهای از پرسنل نیروی هوایی گذاشته شد با توجه به ناراحتی‌های گذشته، بدون مطالعه و بررسی مورد پذیرش آنان قرار گرفت و بسرعت بوسیله اسیری و صفعات فلزی حکاکی شده بر در دیوار شهر منعکس شد اما چندی نگذشت که امام در یکی از سخنرانیهای خود بنشد رعایت سلسله مراتب را تاکید فرمودند و آقایان که متوجه موضوع بودند به صفعات فلزی حکاکی شده جمله‌ای اضافه کردند که:

«با حفظ سلسله مراتب، پیش بسوی ارتش بی طبقه توحیدی» و حالا که امام ارتش بی طبقه توحیدی را قویا رد کرده‌اند اعلامیه‌هایی منتشر شده است که مقصود ما از ارتش بی طبقه توحیدی این نبوده بلکه

جنبه‌های ایرانی

صاحب امتیاز: مهتس حسین‌آخوان
سر دبیر: پروانه فروهر
زیر نظر شورای نویسندگان
خیابان سیند شماره ۲۶ - طبقه سوم
تلفن ۸۹۸۲۱۷
چاپ خوشه تلن ۳۱۸۵۶۳-۵

نظری گذرا به زندگی داریوش فروهر



این عکس از فروهر روز عید قربان ۱۳۵۶ در زندان مرکزی کربلا گرفته شده است

بقیه از صفحه اول

بیمارستان بجمعی مصیبت می‌رسانند و سپاه و پنهانی از آنجا فرار می‌دهند. شاه در پناه بیگانگان باز می‌گردد. خود فروخته‌ای که خود را باز می‌فروشد و باز به قدرت ضد مردمی خود دست می‌یابد.

نبردی توقف ناپذیر در پیش است اول شهریور، نخستین اعلامیه‌ی ستاد پنهانی حزب ملت ایران علیه کودتایان به امضای داریوش فروهر ۲ روز پس از کودتا منتشر می‌گردد. در این اعلامیه، مردم به مبارزه و مقاومت در مقابل کودتایان فرا خوانده می‌شوند. فرمانداری نظامی برای دستگیری زنده یا تحویل مرده داریوش فروهر جایزه تعیین می‌کند. مبارزه‌ی پنهانی و جنگ و گریز و دربردی، مدت چند ماه، شب و روز، ادامه می‌یابد. در مرکز مبارزه ماندن و جنگیدن، اینست شعار داریوش فروهر.

نخستین دوره «آرمان ملت» ارگسان ستاد پنهانی حزب ملت ایران نشر می‌یابد. فروهر سرانجام در دهم دی ماه دستگیر می‌شود.

نخستین دوره «آرمان ملت» ارگسان ستاد پنهانی حزب ملت ایران نشر می‌یابد. فروهر سرانجام در دهم دی ماه دستگیر می‌شود.

اعلامیه‌های شمساره ۲۰ و ۲۱ فرمانداری نظامی از اهمیت دستگیری وی حکایت می‌کنند.

۱۳۳۳ - در مرداد ماه به ظاهر از زندان فرمانداری نظامی آزاد و به قسم تبعید تبعیدگاه دادیوش فروهر، طرحی زیر عنوان «اتحاد - انقلاب - تقاضا» به حزب ملت ایران و «نهضت مقاومت ملی» ارائه می‌دهد. در اوج تلاشهای خانقانه‌ی دولت‌پرست نشاندی زاهدی بر سر انعقاد قسرداد «امنی - پیچ» به تهران باز می‌گردد و مسئولیت تشکیلات «نهضت مقاومت ملی» را برعهده می‌گیرد و علیه قرارداد کنسرسیوم، تقاضای دادیوش فروهر، طرحی می‌نماید و در آن می‌کند و بار دیگر همراه تنی چند از یارانش به زندان می‌افتد.

در روز ۱۹ آبانماه، سردار نهضت ملی ایران، دکتر حسین فاطمی را تیرباران می‌کند. داریوش فروهر نخستین کسی است که زیر تسلط سرزده حکومت، نزد خانواده‌ی دادیوش فاطمی می‌نشیند و در آن شرایط دشوار در برپایی آئین هفته و چله شهادت این سردار، پیشگام می‌شود. ۱۳۳۵ - در نوروز این سال، هنگامی که می‌خواهند پیمان تنگین «بغداد» را منعقد کنند و انتخابات قلابی دوده‌ی نوزدهم را انجام دهند، باز هم داریوش فروهر، این منظر مبارزه علیه استعمار و استبداد را همزمان با حضرت آیت‌الله حاج سید رضا زنجانی برای چند ماهی به زندان می‌اندازند.

۱۳۳۶ - امپریالیستها و صیونیستها به کانال سوئز در مصر حمله می‌کنند. فروهر تظاهراتی علیه این تجاوز برپا می‌کند و از یاران خود می‌خواهد که برای جنگیدن در کنار ملت قهرمان مصر ترتیب سفر به مصر را بدهند. جنبش داوطلبان آغاز می‌شود. دولت، تصمیم به دستگیری فروهر می‌گیرد. ولی او پنهان می‌شود و مبارزه علیه حکومت استبدادی را دنبال می‌کند.

۱۳۳۷ - فروهر در مسوولیت رهبری حزب ملت ایران و به عنوان یکی از مظاهر مبارزه علیه استبداد حاکم، تبرد خود را به‌طور زیرزمینی ادامه می‌دهد و دوره دوم

برنامه داریوش فروهر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه ۲

لزم به کار خواهد بست.

خدمات شهری مناسب برای همه شهروندان در دسترس خواهد بود.

خدمات لازم را به روستا خواهد رساند تا روستائیان در زادگاه خود احساس آسایش کنند.

در هم ریختن زندگی ایلی را در

ساخت اجتماعی ایران از راه اسکان تعمیلی نمی‌پذیرد و موجبات رفاه و پیشرفت را همراه با ایل به هنگام کوچ روانه می‌سازد.

سفر را به گونه‌ی یک ضرورت زمان و به عنوان یک وسیله رشد آگاهی و گسترش فرهنگ در اختیار همگان قرار خواهد داد. سفر کالای زبستی خاص تروشدان نخواهد ماند.

بیمه های ملی را بداندان گسترش

داشت می‌پردازد تا وضع آشفته‌ی مالی خود را - که ناشی از سالیان سال مبارزه‌ی بی‌امان و بیگیر است - سرو سامانی بخشد. ۱۳۵۶ - در ۲۲ خردادماه در اوج استبداد زیر سلطه بیگانه، داریوش فروهر ضمن نامه‌ی سرگشاده‌ای به بررسی تنگناهای کشور می‌پردازد و شاه را از ادامه‌ی زشتکاری‌های ایران برباد ده برحذر می‌داند. فروهر، در دوم آبان ماه در اجتماع بزرگ بازاریان - که به مناسبت تولد حضرت امام رضا علیه‌السلام برپا شده است - شرکت می‌کند. در یامداد همین روز خبر تاسف‌بار جان-سپاری حضرت حجت‌الاسلام مصطفی خمینی به تهران می‌رسد. فروهر، در این اجتماع، سخن می‌گوید و زیر سلطه‌ی سرزده و در محاصره‌ی پلیس، به حضرت آیت‌الله العظمی خمینی تسلیت می‌گوید و به تجلیل از شخصیت فرزند گرامی امام می‌پردازد، و بدینگونه دیوارهای هراس را فرو می‌ریزد.

بیست و هشتم آبانماه، کوشش‌های او و یاران حزب‌یاش برای ایجاد جنبه‌ی از مبارزان راه آزادی و استقلال به ثمر می‌رسد و سرانجام «اتحاد نیروهای جنبه ملی» تشکیل می‌شود.

سیام آذرماه برابر با عید قربان به همت او از طرف «جامعه اصناف و بازرگانان و پیشه‌وران بازار تهران» در کربلاوسرا سنک، باغ گلزار، آئینی برپا می‌شود که طی آن فروهر و دیگر شرکت کنندگان مورد حمای گمانه‌های گارد سلطنتی قرار می‌گیرند و از ناحیه‌ی سر به سختی آسیب می‌بینند و مدتی در بیمارستان بستری می‌شوند.

«خبرنامه»، که زیر نظر او انتشار می‌یابد، در ایجاد همبستگی میان نیروهای انقلاب سخت کاری می‌افتد، این نشریه تا واژگونی نظام سلطنتی با اثربخشی بسیار انتشار می‌یابد.

۱۳۵۷ - در هفتم اردیبهشت، خانه‌ی که خانواده فروهر در طبقه دوم آن زندگی می‌کنند بوسیله گماشتگان سواک بمبید کداری می‌شود و دستگاه پلیسی برای مدت هشت ماه او را خانه بلوش و آسایش را از خانواده‌اش سلب می‌کنند.

در سیام تیرماه به یاری نمایندگان حزبها و بعضی از شخصیت‌های سیاسی سازمان جدید «جنبه ملی» را ایجاد می‌کنند که در اصول هدفهای آن بیش از هر چیز بر استقلال واقعی کشور و تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی تکیه می‌شود.

سیزدهم شهریور فروهر در نماز عید فطر و راهپیمایی‌های پرشکوه آن روز که بگونه‌ی نقطه عطف در تاریخ حرکت‌های انقلابی میهن رقم می‌خورد، همراه دویان هردم است.

شانزدهم شهریور، در راهپیمایی بزرگ آنروز که دستگاه استبداد وابسته به بیگانه را به وحشیگری بی‌مانندی سوق داد، در صف جلو، کنار دیگر شخصیت‌های روحانی و سیاسی استوار و پرامید قدم برمی‌دارد. هفدهم شهریور با برقراری حکومت نظامی، دفتر او محاصره می‌شود. فروهر برای ادامه مبارزه، خود را از دسترس گماشتگان حکومت دور نگه می‌دارد. اعلامیه‌های آتشین و راهگشا و «خبرنامه» با رهنمودهای سیاسی ارزشمند، نشانهایی از کوشش پر دامنه‌ی او است.

نهم آبانماه، نظام حاکم سرانجام به خواست مردم که همه‌جا آزادی مجاهد نستوه حضرت آیت‌الله طالقانی را - طلب می‌کنند، تسلیم می‌شود.

در بزرگداشت این چهره‌ی مبارز، فروهر در اوج قدرت‌حکومت نظامی، بازاریان را به یک راهپیمایی بزرگ، با شاخه‌های گل از بازار تا خانه‌ی ایشان فرا می‌خواند. صدها هزار تن، راهی خانه‌ی آیت‌الله طالقانی می‌شوند. در خلال راهپیمایی، داریوش فروهر در میدان «پل چوبی» زیر غرش هلیکوپترها و در محاصره تفریبه‌های ارتشی، طی سخنرانی پرشوری برای نخستین بار اعلام می‌دارد که نظام آینده کشور باید با همه‌پرسی تعیین شود.

بیست و ششم آبانماه در اوج مبارزات

زندانیان ایران بر آزادی دوزار و وطن

بقیه از صفحه اول

آزادی شما موافقت می‌شود که از ایران برای همیشه بروید و در برابر این پیشنهاد سخت برانگیز و گفتم زندان ایران را برآزادی دور از ایران ترجیح می‌دهد.

سرانجام در فضای که حرکت‌های سیاسی دوباره آغاز شد و جنبه ملی دوره دوم کوشش‌هایش را آغاز کرد، فروهر در آبانماه ۱۳۳۹ آزاد شد. هنوز دوماهی نگذشته بود که در هفدهم دی‌ماه دوباره بازداشت و به‌فصل‌قله برده شد و هنگامی که مبارزات دانشجویی اوج گرفت و شعار بسیاری از دانشجویان هوادار مصطفی گرفتار شدند، حضور فروهر در قزل‌دلمه گرچه اجازتی ملاقات نداشت، درگرم کننده بود.

زیر فشار افکار عمومی در ۲۵ فروردین ۳۹ فروهر آزاد شد و در سوم اردیبهشت مردم، بهنگام یک مصاحبه مطبوعاتی، فروهر همراه دکتر سنجانی که تازه از ملاقات با امام خمینی بازگشته، بازداشت می‌شود و برغم اعتراض‌های شدید مردم، ۲۶ روز در زندان باقی می‌ماند. پس از آزادی بیدرنگ به‌نام سخنگوی جنبه ملی و مسئول انتشارات و تبلیغات با نشر اعلامیه‌ای دعوت دلیرانه آیت‌الله طالقانی را برای راهپیمایی تأیید می‌کند.

نوزدهم و بیستم آذرماه در راهپیمایی ناسوعا و عاشورا خستگی‌ناپذیر و پرتوان از باام تا شام همه‌جا در میان مردم است. هفتم دی ماه، در آئین تجمیع چنانچه استاد شهید دکتر نجف‌اللهی از بیمارستان وزارت تختخواب، فروهر با همه نیرو برای برگزاری هرچه با شکوه‌تر این آئین و جلوگیری از کشتار، تلاش می‌کند و هنگامی که چون آدمکنی گماشتگان استبداد وابسته به بیگانه بالا می‌گیرد، فروهر چنان پرسر خشم می‌آید که خود را به بالای آمبولانس حامل چنانچه می‌رساند و برای پذیرش شهادت، آغوش می‌کشاید.

یامداد ۲۶ دی‌ماه، همان روزی که شاه از ایران فرار می‌کند، داریوش فروهر، برای دیدار امام خمینی راهی پاریس می‌شود و این نخستین بار است که به او اجازه خروج از کشور داده می‌شود. پس از ۱۸ روز همراه ایرمردی که رهبری او را باور دارد به ایران باز می‌گردد.

در بازگشت از پاریس، لحظه‌ای از مبارزه نمی‌ایستد.

نوزدهم بهمن، در راهپیمایی بزرگ و بی‌سابقه‌ی مردم تهران در میان پیکارگران است.

بیست و یکم بهمن، از دفتر امام، تصمیم سرنوشت ساز رهبر انقلاب را به آگاهی نشر دهندگان «خبرنامه» می‌رساند و خواستار مقاومت تا پای مرگ می‌شود و سپس به همراه تیمسار قری، همه جای شهر را سر می‌کشد، شمال و جنوب و غرب و سرانجام نیروی هوایی، شرق تهران را و نیمه شب با قرنی به خانه بازمی‌گردد.

۲۴ بهمن به فرمان رهبر انقلاب در کابینه دولت موقت به ریاست مهندس بازرگان شرکت می‌کند.

۱۳۵۸ - در دوران کوتاه تصدی وزارت کار، گام‌های ارزشمندی در راه تنظیم روابط کار و استیفای حقوق کارگران برمی‌دارد که راه انداختن دوباره بسیاری از کارگاهها و کارخانه‌ها، ایجاد صندوق وام کارکنان، تهیه طرح بیمه بیکاری، برابر سازی تعطیلات رسمی کارگران با کارمندان، تعیین حداقل دستمزد عادلانه برای کارکنان از آن جمله‌اند.

هیچدم خردانماه فروهر در کفرانس بین‌المللی کار در ژنو شرکت می‌کند و دیدگاههای جمهوری اسلامی را برای جهانیان روشن می‌سازد.

هنوز چند روزی از پیروزی انقلاب نگذشته که برای بررسی وضع کردستان راهی آن استان می‌شود و برای یافتن راه حل‌هایی جهت رفع ستم‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و ظلمی که دستگاه استبداد وابسته به مردم کردستان تحصیل کرد، کوشش چشمگیری به عمل می‌آورد و هنوز هم صمیمانه در این راه کوشاست.

داریوش فروهر از پر تحرک‌ترین چهره‌های مبارز ایران است که در طی ۲۵ سال حاکمیت استبداد زیر سلطه، لحظه‌ای از مبارزه دست نکشید. سال‌های دراز در زندان‌های دژخیم گذرانید هرگز هیچ شغیل دولتی نپذیرفت و زندگی خود را از نخستین سال‌های جوانی وقف پیکار در راه استقلال و آزادی ایران کرد و نشان داد که از وفادارترین سربازان انقلاب اسلامی ملت ایران است.